

# ترانه‌های خون و شمشیر

رودریگ ماتئوز

ترجمهٔ پر توشریعمنداری

کند. و این تصمیم او را وارد دستگاه سیاسی - نظامی کرد که هرگز هم نتوانست خود را از آن رها سازد. تصمیم دوم هم در ۱۹۸۷ گرفته شد وقتی تصمیم گرفت با آصف علی زرداری، جوانی زن باره از یک خانوادهٔ فئودالی، ازدواج کند.

توصیف فاطمه از عمه‌اش در صفحات این کتاب به تدریج تنفرآمیزتر می‌شود. و این رفته‌رفته به صورت یک تقابل کلاسیک بین خیر و شر در می‌آید و نویسنده سرانجام همهٔ دشمنان پدر و پدربزرگ خود - ارتش، بی‌نظیر، فئودال‌ها و امریکا - را در یک ائتلاف مخفیانه متحد می‌بیند. و به این ترکیب نامتجانس و نامطبوع، او زرداری طماع و حيله‌گر را هم اضافه می‌کند.

ولی خیانت بی‌نظیر از این سیاه‌تر جلوه‌تر می‌شود. فاطمه تذکر می‌دهد که پدرش در زمانی که بی‌نظیر نخست‌وزیر بود به قتل رسید و پلیسی که به قتل او متهم شد در ۲۰۰۹، در دورهٔ ریاست جمهوری زرداری، تبرئه شد. و انگیزهٔ اصلی او در نوشتن این کتاب، همین تبرئه بود. چون او می‌خواهد اسناد و شواهدی که تناقض گزارش رسمی دولتی از مرگ پدرش را نشان می‌دهد در اختیار عموم قرار بدهد. در واقع شواهد به شدت مشکوکی دربارهٔ «تیراندازی» پلیس وجود دارد. هیچ‌گونه دستور رسمی برای توقیف مرتضی صادر نشده است. در طول این به اصطلاح «درگیری» هم تنها پلیس شلیک کرده است. مرتضی و ۶ تن از محافظان او کشته شدند و پلیس هیچ تلفاتی نداشت. اسناد و شواهد را هم از بین برده‌اند و شاهدان عینی را دستگیر کردند. متهمان هم آزاد شدند. تنها تحقیق رسمی‌ای که صورت گرفت، از سوی یک تشکیلات مشاوره‌ای بود که نتیجه گرفت: «دستورکشتن مرتضی بوتو باید از بالاترین سطوح دولت صادر شده باشد». بر این اساس، فاطمه معتقد است که بی‌نظیر و زرداری حداقل از نظر «اخلاقی» مسئول قتل پدر او هستند.

و البته اتهام به همین جا ختم نمی‌شود. فاطمه هم‌چنین معتقد است که مسموم کردن عمیوش شهناز در ۱۹۸۵ هم کار مشترکی از رژیم ضیاءالحق، سازمان سیا و بی‌نظیر بوتو بود.

این کتاب سند محکومیت رسمی دولت پاکستان نیست و هیچ‌گونه مدرک افشاگرانه‌ای ندارد. ولی آن‌هایی که دوست دارند تاریخ را از منظر افراد بخوانند، از خواندن این کتاب ناامید نخواهند شد. امید، بی‌عدالتی، غم و اندوه به خوبی در صفحات کتاب منعکس شده و در مقدمه‌ای خواندنی، واقعیات تلخ سیاست داخلی پاکستان بیان می‌شود.

برگرفته از: *The Observer*, (25 April 2010).

*Songs of Blood and Sword. Fatima Bhutto. Jonathan Cape, 2010. 480 pp.*

فاطمه بوتو چهارده ساله بود که پدرش، مرتضی بوتو در نتیجهٔ یک برخورد مسلحانه با پلیس در خانه‌اش در کراچی در سال ۱۹۹۶ کشته شد. *ترانه‌های خون و شمشیر* گزارشی از زندگی فاطمه است از دیدگاه خودش. با نثری فروتنانه تصویر روشنی از خشونت و فساد و جنگ قدرت سیاسی در پاکستان به دست می‌دهد که نتیجه‌اش مرگ خشونت بار چهار تن از اعضای خانوادهٔ بوتو در ۳۱ سال گذشته بود. باخبر می‌شویم که زندگی مرتضی بعد از رسیدن به سن بلوغ در دو هدف و دو انگیزه خلاصه می‌شد. اول، انتقام مرگ پدر خویش، ذوالفقار علی بوتو را از مردی که سرنگونش کرد، ژنرال ضیاءالحق، بگیرد. و بعد، پس از مرگ ضیاء در ۱۹۸۸، از میراث سیاسی پدر حفاظت کند تا به دست خواهرش بی‌نظیر بوتو نیفتد. رقابت بین مرتضی فعال و آرمان‌گرا و بی‌نظیر حسابگر و جاه‌طلب، پویایی مرکزی این کتاب است. فاطمه خودش شاهد هیچ یک از حوادث سیاسی‌ای که در این کتاب توصیف می‌شود نبوده، بلکه این روایت جزئیات از منابع دست دوم و از دوستان و همکاران مرتضی جمع‌آوری شده است. توصیف کلی فاطمه از مرتضی، با محبت و در کل غیرانتقادی است، یعنی همان چیزی که آدم از دختر جوانی که پدرش را ستایش می‌کند انتظار دارد. مرتضی در ۱۹۷۷، وقتی ضیاءالحق حکومت را در دست گرفت، از پاکستان گریخت و تا ۱۹۹۳ به آن‌جا باز نگشت. این غیبت طولانی به بی‌نظیر بوتو امکان داد تا رهبری بلامنزاع میراث سیاسی ذوالفقار علی بوتو - حزب مردم پاکستان - را در دست بگیرد. در واقع این نارضایتی او از رفتار بی‌نظیر و به خصوص نخست‌وزیری بی‌بو و خاصیت او در فاصلهٔ ۱۹۹۰-۱۹۸۸ بود که باعث شد تا مرتضی از تبعید خودخواسته به پاکستان بازگردد تا کشور را بر اساس همان راه و رسم تجددطلبی، ضدیت با فئودالیسم و دورنمای سوسیالیستی پدر پاکسازی کند. بازگشت او به واقع تهدیدی برای موقعیت بی‌نظیر بوتو بود. یعنی مرتضی «به جای این که به خواهر بپیوندد تنها سیاستمداری بود که علیه وضعیت موجود سخن می‌گفت». توصیف کتاب از بی‌نظیر، توصیف ظریفی است. فاطمه وقتی کودک بود عمه‌اش را ستایش می‌کرد، ولی وقتی جاه‌طلبی بی‌نظیر را رفته رفته به داخل ماشین حکومتی - نظامی پاکستان کشاند، فاصلهٔ بین این دو بیشتر شد. فاطمه دو تصمیم کلیدی را در زندگی بی‌نظیر بسیار تعیین‌کننده می‌داند. تصمیم اول زمانی بود که در ۱۹۸۶ با رژیم ضیاءالحق به توافق رسید که در انتخابات شرکت